



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

The background of the book cover features a clear blue sky with soft, wispy white clouds. In the lower portion, several green, pointed leaves of a plant are visible, extending upwards from the bottom edge. The text is overlaid on this background.

نیم نگاهی به انتظار در آینه روایات

محمد باقر فقیه ایمانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نیم نگاهی به انتظار در آینه روایات

نویسنده:

محمدباقر الفقیه ایمانی

ناشر چاپی:

روزنامه رسالت

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	نیم‌نگاهی به انتظار در آینه روایات
۷	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۷	اشاره
۷	ذکر روایاتی در سایر فضیلت‌های انتظار
۹	معنای انتظار، شرایط و آثار و علائم آن
۹	اشاره
۹	انتظار قلبی
۱۰	انتظار بدنی
۱۰	شرایط انتظار
۱۰	اشاره
۱۰	خلوص نیت، اولین شرط انتظار
۱۱	اشاره
۱۲	حدیثی از امام صادق و خلوص حقیقی در انتظار
۱۳	صبر و شکیبایی
۱۳	آداب انتظار
۱۴	علائم انتظار
۱۴	اشاره
۱۴	اشتیاق قلبی است
۱۴	عزلت و گوشه‌گیری از بیگانگان است، از لوازم آن، کمی گفتار مطالب بیهوده است
۱۵	نتیجه کلی از بحث انتظار
۱۵	پاورقی

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان ۱۶

نیم نگاهی به انتظار در آینه روایات

مشخصات کتاب

شماره کتابشناسی ملی: ایران

سرشناسه: فقیه ایمانی، محمدباقر، ۱۲۷۹ - ۱۳۲۹

عنوان و نام پدیدآور: نیم نگاهی به انتظار در آینه روایات/ میرزا محمدباقر فقیه ایمانی

منشأ مقاله: رسالت، ۲۶ شهریور ۱۳۸۴: ص ۶

۲۷ شهریور ۱۳۸۴: ص ۱۹

توصیفگر: محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق -

توصیفگر: احادیث

توصیفگر: انتظار منجی

توصیفگر: ظهور منجی

اشاره

اشاره

روایات بسیاری وارد شده که با انتظار، نصرت و یاری امام (ع) حاصل می شود، از جمله در «نورالابصار» از حضرت صادق (علیه السلام) روایت شده است که فرمود: «هر کس از شما بمیرد در حالی که انتظار ظهور حضرت قائم (ع) را داشته باشد، مانند کسی است که با آن حضرت و در خیمه ایشان باشد. آنگاه اندکی ساکت شد و سپس فرمود: مانند کسی است که در رکاب او جهاد کند. پس از آن فرمود: نه، والله، بلکه مانند کسی است که در رکاب رسول اکرم (صلی الله علیه و اله) شهید شده باشد.» [۱]. و نیز روایت دیگری در «نورالابصار» از ابی حمزه نقل شده که گفت: به حضرت صادق (صلی الله علیه و اله) عرض کردم: فدایت شوم، پیرو ناتوان شده ام، و اجلم نزدیک شده است و میترسم پیش از وقوع امر فرج شما بمیرم. «فرمود: ای ابا حمزه! هر کس که ایمان داشته باشد و گفتار ما را تصدیق کند، و منتظر فرج ما باشد، مانند کسی است که در زیر پرچم حضرت قائم (علیه السلام) شهید شده باشد، بلکه ثواب کسی را دارد که در رکاب حضرت رسول (صلی الله علیه و اله) شهید شده باشد.» [۲]. و در روایت دیگری از آن حضرت نقل شده که فرمود: «هر کدام از شما که در حال انتظار فرج از دنیا رود، حق تعالی از بسیاری از شهیدان بدر و احد افضل است.» [۳]. و از این روایات استفاده می شود که: خداوند به واسطه ی انتظار، اجر و ثواب مجاهدین و شهدای در رکاب حضرت قائم (علیه السلام) را مرحمت می فرماید، و منتظرین فرج را در زمره یاوران ایشان محشور می فرماید. و در فصل سوم در بیان معنای انتظار روشن می شود که هر گاه حقیقت انتظار در کسی حاصل شود، با همان انتظارش در حقیقت نصرت و یاری امام (علیه السلام) نموده است.

ذکر روایاتی در سایر فضیلت های انتظار

در این جابه برخی دیگر از فضائل انتظار، و بیان وجوب انتظار و آن که انتظار از لوازم حقیقیه ایمان، و از شرایط قبولی اعمال و عبادات است می پردازیم. در «نورالابصار» از تفسیر «برهان» از مسعده روایت شده که گفت: «در محضر مبارک حضرت صادق (علیه

السلام) بودم که پیرمرد قد خمیده ای وارد شد، در حالی که به عصای خود تکیه کرده بود، پس سلام کرد، و حضرت جواب سلامش را دادند. آن گاه عرض کرد: یا بن رسول الله! دست خود را بدهید بوسم؟ آن گاه دست حضرت را بوسید، و سپس شروع کرد به گریه کردن. حضرت فرمودند ای پیرمرد! چرا گریه می کنی؟ عرض کرد: فدایت شوم. صد سال است که عمرم در انتظار قائم شما سپری گشته، هر ماه جدیدی که می آید می گویم: در این ماه ظاهر می شود. و هر سالی که تازه می شود می گویم: در این سال واقع می شود، اکنون پیر و ناتوان شده ام و اجلم فرا رسیده، و هنوز به مراد دل خود نرسیده ام، و فرج شما را ندیده ام، چرا گریه نکنم و حال آن که بعضی از شما را در اطراف زمین پراکنده و بعضی را به ظلم دین کشته می بینم. پس حضرت صادق (علیه السلام) گریان شدند و فرمودند: «ای پیرمرد! اگر زنده ماندی تا زمانی که ببینی قائم ما را، مقام رفیع و بسیار والائی خواهی داشت، و اگر پیش از ظهور آن حضرت در انتظار او از دنیا رفتی، پس در روز قیامت در زمره ی آل محمد (صلی الله علیه و اله) محشور خواهی شد. و آن ها ما هستیم که امر به تمسک به ما نموده، در آن جا که فرمود: «انی مخلف فیکم الثقلین، فتمسکوا بهما لن تضلوا، کتاب الله و عترتی اهل بیتی» من در میان شما دو گوهر گرانبها را بر جای می گذارم، پس به آن دو تمسک کنید که هیچ گاه گمراه نشوید: کتاب خدا و عترت یعنی خاندانم. اما زین العابدین (علیه السلام) به ابی خالد کابلی فرمود: «ثم تتم الغیبه بولی الله عشر (علیه السلام) من اوصیاء رسول الله (صلی الله علیه و اله) و الائمة بعده. یا ابا خالد! ان اهل زمان غیبه القائلون بامامته، المنتظرون لظهوره افضل اهل کل زمان، لان الله - تعالی ذکره - اعطاهم من العقول و الافهام و المعرفه ما صارت به الغیبه عندهم بمنزله المشاهده، وجعلهم فی ذلک الزمان بمنزله المجاهدین بین یدی رسول الله (صلی الله علیه و اله) بالسیف، اولئک المخلصون حقا، و شیعتنا صدقا، والدعاه الی دین الله سرا و جهرا.» و قال: «انتظار الفرج من اعظم الفرج» [۴]. «سپس غائب ماندن ولی خدا که دوازدهمین جانشین رسول خدا (صلی الله علیه و اله) و امامان بعد از او می باشد طولانی خواهد گشت. ای ابو خالد، همانا اهل زمان غیبت او که امامتش را باور دارند، و منتظر ظهور او هستند از مردم همه ی زمانها بهترند، زیرا که خداوند تبارک و تعالی آن چنان عقل و شعور و معرفت به آن ها عنایت فرموده که غیبت نزد آنان مانند حضور و مشاهده است، و آنان را در آن زمان به منزله ی کسانی قرار داده که در پیشگاه رسول خدا (صلی الله علیه و اله) با شمشیر جهاد کرده اند، آنان حقا مخلص هستند، و راستی که شیعیان ما هستند، و دعوت کنندگان به دین خدای عزوجل در پنهان و آشکار می باشند.» و فرمود: «انتظار فرج خود از بزرگترین فرجها است.» در روایت دیگری ابی بصیر گوید: روزی امام جعفر صادق (علیه السلام) فرمودند: «آیا شما را خبر ندهم به چیزی که خداوند جز به آن عملی را از بندگان قبول نمی کند؟ گفتیم: بلی. فرمود: شهادت به وحدانیت و یکتائی خداوند و رسالت پیامبر اکرم و اقرار به آن چه امر فرموده، و دوستی مابیزاری از دشمنان ما، و تسلیم بودن در برابر ما و داشتن ورع و اجتهاد و اطمینان، و انتظار کشیدن برای قیام قائم (علیه السلام). آن گاه فرمود: به درستی که برای ما دولتی است که خداوند آن را هر وقت که بخواهد ظاهر می گرداند. سپس فرمود: هر کس دوست دارد که از اصحاب قائم (علیه السلام) باشد پس هر آینه باید انتظار کشد، و با ورع و محاسن اخلاق عمل کند در حالی که انتظار دارد، پس اگر بمیرد و قائم پس از او خروج کند از برای او اجر کسی است که آن حضرت را درک کرده است. پس کوشش کنید و انتظار بکشید، گوارا باد برای شما ای گروهی که مورد لطف و رحمت خدا هستید.» [۵]. در «کافی» است که ابی جارود به امام محمد باقر (علیه السلام) عرضه داشت: «یا بن رسول الله؛ هل تعرف مودتی لکم و انقطاعی الیکم و موالاتی ایاکم؟ قال: فقال: نعم. قلت: فانی اسئلك مسئله تجیبنی فیها فانی مکفوف البصر، قلیل المشی و لا- یستطیع زیارتکم کل حین. قال: هات حاجتک. قلت: اخبرنی بدینک الذی تدین الله عزوجل به: انت و اهل بیتک لادین الله عزوجل به. قال: ان کنت اقصررت الخطبه قد اعظمت المسئله، والله لاعطینک دینی و دین آبائی الذی ندین الله و عزوجل به شهاده ان لا اله الا الله و ان محمدا رسول الله (صلی الله علیه و اله) و الاقرار بما جاء من عند الله و الولایه لولینا و البرائه من عدونا، و التسلیم لامرنا، و انتظار قائمنا، و الاجتهاد و الورع.» [۶]. «ای فرزند رسول خدا! آیا مودت و دلبستگی و پیروی مرا نسبت به خودتان قبول دارید؟ فرمود: آری عرضه داشتم: من از شما مطلبی را

می پرسم و می خواهم به من پاسخ دهید، زیرا که چشم من نابیناست و کمتر راه می روم و نمیتوانم هر وقت بخواهم به دیدار شما بیایم. فرمود: خواسته ات را باز گوی! عرض کردم: دینی که تو و خاندان شما خدای عزوجل را با آن دینداری میکنید برایم بیان فرما تا خداوند را با آن دینداری کنم؟ حضرت فرمود: گرچه سوال را کوتاه کردی ولی مطلب مهمی پرسیدی، به خدا قسم، دینی را که من و پدرانم خداوند را با آن دینداری می کنیم برایت می گویم: گواهی دادن به این که هیچ معبود حقیقی جز خداوند نیست، و این که محمد (صل الله علیه و اله) پیامبر خداست، و اقرار به آن چه از طرف خداوند آورده، و دوستی با دوستان ما و بیزارى از دشمنان ما، و تسلیم بودن به امر ما، و انتظار قائم ما، و تلاش و پرهیزکاری می باشد. و هم چنین در اخبار بسیاری تصریح شده است که: انتظار فرج از فضل عبادات نزد خداوند عزوجل است. [۷].

معنای انتظار، شرایط و آثار و علائم آن

اشاره

حقیقت انتظار بر حسب مفهوم لفظی آن ضد یاس است، و مراد از انتظار چیزی، آن است که یقین به وقوع آن داشته و چشم به راه آن باشد، و امیدوار به زمان وقوعش باشد. کیفیت انتظار فرج حضرت حجت (علیه السلام) در هر زمانی چه قبل از زمان غیبت و چه در حال غیبت، بر دو قسم است: قسم اول: انتظار قلبی. قسم دوم: انتظار بدنی.

انتظار قلبی

انتظار قلبی دارای درجات سه گانه است: - درجه اول: آن که یقین داشته باشد ظهور آن حضرت حق است و واقع خواهد شد و آن وعده الهی است که تخلفی در آن نیست، و هر قدر هم در تحقق آن تاخیر شود، مایوس و ناامید نگردد و منکر اصل آن نشود. - درجه دوم: آن ظهور را موقت به وقت خاصی نداند که قبل از آن مایوس از وقوع آن شود. - درجه سوم: آن که بر حسب آن چه در روایت است که: «توقعوا الفرج صباحا و مساءً. [۸]». «هر صبح و شام منتظر فرج باشید». و آن چه در وارد است که: «یاتی بغته کالشهاب الثاقب» [۹]. «او هم چون شهاب فروزانی ناگهان خواهد آمد» و در فقره ای از دعا است: «انهم یرونه بعیدا و نریه قریبا» [۱۰] و امثال این ها، پس در هر حال و هر زمانی منتظر باشید، یعنی امید وقوع آن را داشته باشید. درجه اول: این درجه واجب است و حقیقت ایمان به آن بستگی دارد، و نبود آن در باطن امر موجب کفر و ضلالت می شود، اگر چه به حسب ظاهر محکوم به احکام اسلام باشد، و برای همیشه در آتش با کفار خواهد بود، چون انکار امر امامت است، هر چند در ظاهر اقرار به توحید و رسالت دارد، و دلیل بر آن از آیات و اخبار بسیار زیاد است، چنانکه به بعضی از آن اشاره شد. و آن چه از آیات و روایات بعد از ملاحظه وعده های الهیه که در بعضی از آیات قرآن [۱۱] داده شده، استفاده می شود این است که بر حسب دلیل عقلی و نقلی، کسانی که شایستگی خلافت و وراثت نبویه و ولایت الهیه را دارند، منحصرند به دوازده وجود مقدس که حسب و نسب و اسم و وصف و شخص آن ها از جهت پدری و مادری، در اخبار متواتر ذکر شده است، و بعد از ملاحظه آن که آن وعده های الهیه تا کنون - بر آن وجهی که در آن آیات و آن اخبار است - هرگز در هیچ زمانی نسبت به هیچ کدام از آن دوازده نفر و در حق غیر آن ها وقوع نیافته، و دین الهی در کل عالم بر همه ی دین ها غلبه پیدا نکرده که جمیع مردم به آن معترف شده باشند، و به ملاحظه ی آن که امامان معصوم علیهم السلام همگی تا کنون مظلوم واقع شده و ضعیف شمرده شده اند و تمکین و استخلاف و وراثت آن ها در زمین با نبود خوف و ترس برای هیچ یک تحقق نیافته، پس باید انتظار تحقق آن وعده های الهی را به وجود حضرت مهدی (علیه السلام) و نیز برای پدران بزرگوارش بعد از رجعت ایشان به این دنیا، چنانچه در اخبار متواتره بر آن تصریح شده، داشته باشد. و بعد از تأمل منصفانه و بدون

تعصب و عناد در این آیات اخبار، واضح و روشن می شود که انکار و شبهه در امر ظهور و فرج حضرت مهدی و نیز در رجعت پدران گرامیش (علیه السلام)، انکار و تشکیک در آیات قرآنی و ادله قطعی نقلی است، و حقیقت کفر و ضلال جز همان انکار امر حق یا تشکیک در آن بعد از وضوح نیست. درجه دوم: این درجه نیز واجب است، لکن بر وجهی که اگر نباشد موجب فسق است، و آن یاسی است که حرام است و از آن نهی شده است، و این حرمت به مقتضای تکذیب و قاتون (کسانی که وقت برای ظهور تعیین می کنند) است. [۱۲]. درجه سوم: این درجه مقتضای کمال ایمان است و نبود آن موجب نقصان درایمان است، پس لازمه ی کمال ایمان مومن آن است که بر حسب احادیث زیادی که در آن ها امر فرج را تقریب فرموده اند: آن را نزدیک بدانند و پیوسته چشم به راه باشد، و باید حال مومن مانند حال کسی باشد که خبر آمدن مسافر را به او داده اند، و مسافر او درحال بازگشت است، و با این احتمال که موانع سبب تاخیر در رسیدن او شده، همه روزه انتظار آمدن آن مسافر را دارد. بنابراین؛ باید برای ظهور آن حضرت و نیز ملاقات با ایشان - به آدابی که ذکر می شود مهیا شود، همان طور که انسان از برای مسافر عظیم القدر تهیه می بیند.

انتظار بدنی

هر گاه مزرعه ای داشته باشد، آن را اصلاح کرده و تخم بکارد و آب دهد، چون احتمال وقوع آفات زمینی و آسمانی می رود، دعا می کند و از خداوند متعال حفظ آن زراعت را از آن آفات طلب میکند، و با این حال انتظار می کشد که زمان رسیدن محصول آن فرارسد. خداوند عالم جل شانہ در هر زمان وجود مبارک امام (علیه السلام) را وسیله ی بقاء عالم و عطا کردن نعمتای خود قرار داده است، که بدون آن نه عالمی باقی می ماند و نه نعمتی عطا می شود و ظهور امر امام (علیه السلام) را - که تصرفات ظاهری داشته باشد - وسیله از برای ظهور کامل همه ی نعمتهای ظاهری و باطنی قرار داده است، که بدون آن در هر قسم از آن نعمتها نقصان پیدا می شود، و در هر کدام سرور و خوشحالی او مقرون به حزن و غم خواهد شد. و همان گونه که در نعمتهای دنیوی خداوند متعال بعضی اسباب را مهیا کرده و آن نعمتها را به وسیله ی آن اسباب عطا می فرماید، چون بذر کاشتن و آب دادن که وسیله ی ظاهر شدن حبوبات و میوه جات و گل‌های گوناگون است، هم چنین برای تعجیل در ظهور امام که وسیله ظهور همه نعمتها است، اسبابی مقرر فرموده است که به دست خود بندگان است، و آن اسباب عبارت از تقوا و اعمال صالحه است، چنانچه در این آیه ی شریفه می فرماید: «ولو ان اهل القرى آمنوا و اتقوا لفتحنا علیهم برکات من السماء و الارض» [۱۳]. و آفت تعجیل در ظهور آن حضرت، اعمال قبیحه زشت و گناهان بندگان است، و از همه آنها بدتر افشاء کردن اسرار آل محمد علیهم السلام و تقیه نکردن از دشمنان می باشد، که خود امر فرج را به تاخیر می اندازد، و لذا بنده ی مومن با توبه از همه گناهان و خطاها از خداوند دفع آفات و اثر آن ها را طلب می کند، و با این حال انتظار میکشد که زمان رسیدن محصول یعنی روز ظهور و فرج امام علیه السلام فرارسد، و این حال با خصوصیات، انتظار کامل بدنی است که از لوازم کمال ایمان است.

شرایط انتظار

اشاره

شرایط انتظار یعنی: اموری که مترتب شدن فضائل انتظار - که ذکر شد - به آن بستگی دارد، و هر قدر در آن امور نقصان حاصل شود، موجب نقصان در فضائل و ثوابهای آن خواهد شد، از مهمترین آن شرایط، دو امر است که در این مقام ذکر می شود.

خلوص نیت، اولین شرط انتظار

اشاره

همچنان که گفتیم انتظار فرج از بهترین و ارزنده ترین عبادات نزد خداوند است، و شرط صحت و قبولی هر عبادتی اخلاص است و توضیح آن چنین است که در هر عبادتی انگیزه و محرک آدمی بر انجام آن ممکن است یکی از وجوه زیر باشد. وجه اول: آن که انگیزه و محرک بر عمل، اصلاح امور دنیوی باشد، و آن به دو گونه است: اول: آن که در عمل قصد و نیت او فقط رسیدن به امر دنیوی باشد، بدون آن که در آن رضای الهی را تصور نماید، و این مانند مزدور و اجرت بگیری است که قصدش، گرفتن اجرت است، و چیز دیگری را هرگز ملاحظه نمی کند. پس هر گاه در مقام عبادت قصد بنده چنین باشد، این عبادت به طور کلی از درجه خلوص ساقط است، و علماء در چنین حال به بطلان آن حکم می کنند. دوم: آن که قصد در عبادت رضای الهی است، و لکن رضای الهی را وسیلخ حصول امر دنیوی قرار می دهد، یعنی: چون معرفت پیدا نموده که خداوند عالم این عبادت را دوست دارد، بجا می آورد که رضای الهی به آن حاصل شود، و خداوند به وسیله ی آن امر او را اصلاح فرماید. پس اگر چنانچه در کلیه عبادات، نیت و قصدش همان به دست آوردن امور دنیوی و رسیدن به مقاصد آن باشد که برگشت همه اش به دنیا است، مانند ریاست طلبی و راحت طلبی و لذت جویی و امثال این ها، پس از عبادت، عبادت شیطانی است، و چنین شخصی از زمره ی اهل اخلاص به طور کلی خارج است. و لکن اگر این نوع قصد در امور اضطراری باشد، یعنی در بعضی از حوائج دنیوی چون اداء قرض یا رفع امراض یا رفعیشتانی و امثال این ها به بعضی از عبادتها بر همان وجهی که دستور داده شده است، متوسل شود، و نیت او در آن عبادت، رضای الهی و آن را وسیله امر دنیائی قرار دهد، این کمترین درجه خلوص می باشد، و علماء به صحت این عمل به وجه مزبور حکم فرموده اند. وجه دوم: آن که انگیزه عمل او، محض فوائد اخروی، مانند رسیدن به مقامات عالیه بهشت، یا نجات از درکات آتش و دوزخ باشد. گرچه در این مورد نیت و قصد واقعی در عبادت حصول رضای الهی است، و به وسیله ی رضای الهی در آن عبادت، بنده از خداوند جل شانۀ بهشت یا خلاصی از جهنم را طلب می نماید، ولی با این حال، خلوص حاصل می شود. لکن خلوص حقیقی حاصل نمی شود، زیرا خلوص حقیقی در مقام عبادت آن است که بنده هیچ منفعتی که برگشت آن به خودش باشد - ولو منافع اخروی - در نیت لحاظ نکند، و حقیقتاً جز رضای الهی چیز دیگری در نظرش نباشد وجه سوم: آن که در مقام عبادت قصد واقعی او جز رضای الهی چیز دیگری نباشد، و این خلوص کامل حقیقی است. و لکن منافات ندارد که بنده با این درجه خلوص از کمال رغبت و اشتیاق به نعمتهای الهی در بهشت، و ترس از عذاب الهی در جهنم داشته باشد، به واسطه آن که خلوص او در مقام عبادت و بندگی است که در این مقام جز رضای الهی هیچ امر دیگری را ملاحظه نمی کند. و اما نعمتهای الهی و هم چنین نجات از عذاب او را از جود و عفو او سؤال می نماید، بدون آن که هیچ یک از این ها را در حال عبادت در قصد و نیت خود ملاحظه کرده و به نظر آورد. چنانکه حال اولیاء الله چنین بوده، و شرح حال مناجات آنها و فقرات دعاهای آنان قوی ترین شاهد بر این مطلب می باشد. درجات سه گانه نیت در انتظار و ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) درجه اول: بعضی از بندگان عمده غرض آن ها در انتظار فرج حضرت صاحب الامر (علیه السلام) اشتیاق به زیادی نعمتهای الهی و وسعت در امور زندگی، و رفع شدائد و سختیها می باشد که در دوران ظهور وجود دارد، و این خود بر دوگون است: اول: آن که غرض و هدف او مجرد رسیدن به همین جهات مزبوره است، به گونه ای که اگر چنانچه در همین حال از برای او این جهات اصلاح شود، یعنی خداوند به او وسعت در نعمتهای خود عطا فرماید، و از او سختیها و بلاها را دفع نماید، پس آن حال اشتیاق از او زائل می شود و به کلی از ذکر آن حضرت و از یاد فرج و ظهور ایشان غافل می گردد. پس اگر چنین باشد، به طور کلی از عنوان خلوص خارج خواهد شد، و به فضیلت انتظار فرج فائز نخواهد گردید، و در این انتظارش از اهل دنیا خواهد بود. چنانچه در کتاب «کافی» از ابی بصیر روایت کرده که گفت به امام صادق (علیه السلام) عرض کردم: کی فرج خواهد شد؟ فرمود: «و انت ممن ترید الدنیا؟» «قصد و اراده تو در طلب این امر دنیا است؟». سپس فرمود: هر کس به این امر معرفت پیدا نماید پس به واسطه ی انتظار فرج الهی به تحقیق از برای او فرج حاصل شده است. [۱۴]

دوم: آن که غرض از اشتیاق داشتن او به آن جهات مزبوره، به ملاحظه آن است که آن گشایش‌ها و آن نعمت‌های فراوان، مخصوص آن زمان است، و چیزی است که آن را خداوند از برای اولیاء مقربین او صلوات الله علیهم اجمعین پسندیده است، چنین اشتیاقی نزد خداوند محبوب است. چنانچه مضمون حدیثی است که از حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) که فرمود: «ما اهل بیت در مقام رضای الهی چنانیم که اگر خداوند فقر را بر ما مقدر کند، دوست می‌داریم، و اگر وسعت و غنا مقدر نماید آن را نیز دوست می‌داریم.» و در روایت دیگری نقل شده است که: «چون خداوند عالم برای حضرت ایوب (علیه السلام) بعد از برطرف شدن بلا، ملخ طلا نازل کرد، آن حضرت تمام ملخها را از اطراف برمی‌داشت، جبرئیل (علیه السلام) عرض کرد: خوب در جمع آوری آن‌ها اهتمام دارید! چون که عطای پروردگار من است.» [۱۵]. پس از این گونه احادیث ظاهر می‌شود که هرگاه بنده نعمت‌های دنیوی را به این عنوان که آن عطائی است که خداوند به رضای خود مرحمت فرموده است، دوست داشته باشد، این دوستی از موضوع اخباری که در مذمت دنیا و دوست داشتن آن وارد شده، خارج است. و چون همه نعمت‌های الهی که در زمان فرج آل محمد علیهم السلام وعده داده شده است، خداوند آن‌ها را برای اولیاء مقربین خود پسندیده، و گوارا قرار داده است، پس اشتیاق به آن‌ها محبوب و الهی خواهد بود، چرا که بنده در این اشتیاق و انتظارش؛ رضای الهی را ملاحظه دارد، و لهذا به همه‌ی فیوضات و ثوابهای مقرر برای انتظار فرج فائز خواهد شد. لکن این نوع قصد و غرض مرتبه‌ی اول خلوص در امر انتظار فرج می‌باشد، به واسطه‌ی آن که نهایت آن طلب نعمتهای دنیوی است. درجه دوم: بعضی از بندگان عمده غرض در اشتیاق به فرج آن حضرت، برخورداری از علوم و معارف و حکمتهای الهی باشد. زیرا علومی که در آن زمان ظاهر می‌شود مافوق تمام علومی است که از اول عالم تا آن زمان ظاهر شده، و در آن زمان هر کس به کمال علم خود از دیگری بی‌نیاز می‌گردد، و در تفسیر این آیه‌ی مبارکه «یغن الله کلاً من سعته» [۱۶] آمده است که حتی زنان در خانه‌های خود به احکام دین، به درجه‌ی علماء، عارف و عالم می‌شوند. [۱۷]. و این به برکت دست مبارک آن حضرت است که سر بر شیعیان می‌گذارد، و عقول آنها کامل می‌شود، چنانچه در روایات متعددی در کتاب «کافی» و غیر آن وارد شده است. [۱۸]. و ظاهر فرمودن همه‌ی بیست و هفت حرفی است که مبنای علوم الهی است که حضرتش افاضه می‌فرمایند، و از اول عالم تا کنون بیش از دو حرف آن ظاهر نگردیده است. و هم چنین اشتیاق به فرج آن حضرت دارد، به خاطر آن که در آن زمان اسباب عبادت به اعلی درجه آن آماده است، چون که شیطان و اتباع او همگی کشته و نابود می‌شوند، و به خاطر مخذول بودن شیاطین ظاهری، ترس از بندگان برداشته می‌شود. پس هرگاه غرض اصلی و حقیقی در اشتیاق و انتظار فرج آن حضرت رسیدن به این دو مقصد مهم - یعنی کمال معرفت و عبادت - باشد، روشن است که از نظر خلوص چندین برابر از درجه‌ی اولی کاملتر است، و به همین جهت به آن فیوضات و ثوابهای خاصه‌ی انتظار فرج هم به کاملترین درجه فائز می‌شود. ولیکن این درجه هم خلوص کامل نیست، چرا که خلوص کامل آن است که بنده در مقام عبادت هیچ جهت از جهاتی که برگشت به خود او دارد، حتی از منافع اخروی، ملاحظه ننماید. درجه سوم: بعضی از بندگان غرض اصلی از اشتیاق به فرج آن حضرت، ظهور امر الهی و دین مبین او در همه‌ی دنیا و غلبه‌ی آن بر همه‌ی ادیان باطله و ظهور امر اولیاء الهی و ائمه‌ی معصومین علیهم السلام و ظهور فضل و جلال آن‌ها، و ظهور نورو ضیاء آن‌ها، و ظهور همه‌ی شئونات جلیله و عظیمه‌ی آنها باشد، و نیز سرکوبی دشمنان اهل بیت و انتقام‌گیری از آنها و خونخواهی مظلومان کربلا و اجراء همه‌ی حدود الهی و احکام را بخواهند، که در این صورت خلوص ایشان کامل و همه‌ی اجر و پاداشی که برای انتظار فرج ذکر شد بر این نیت مترتب می‌شود.

حدیثی از امام صادق و خلوص حقیقی در انتظار

و از جمله شواهد در این سومین درجه‌ی خلوص در باب انتظار فرج، لازم است و با دارا بودن آن، همه‌ی فضائل انتظار به طور کامل حاصل می‌شود، روایت عمار ساباطی است که می‌گوید: به امام صادق (علیه السلام) عرض کردم: «عبادت کردن با امامی از

شما که ظاهر نبوده و در زمان دولت باطل شد افضل است، یا عبادت کردن در زمان ظهور دولت حق با امام ظاهر از شما؟ حضرت فرمودند: ای عمار! به خدا قسم صدقه دادن در پنهانی افضل است از صدقه دادن در آشکارا و به خدا قسم عبادت شما در پنهان با امام غیر ظاهر در دولت باطل افضل و بهتر است از این که خدا را در زمان ظهور حق با امام ظاهر عبادت کنید.» و روایت را در فضیلت و برتری اعمال در زمان خوف و ترس در دولت باطل ادامه داد، و چون عمار این مطالب را شنید می گوید: «عرض کردم: جان من فدای تو باد، هر گاه چنین است پس ما چرا آرزو کنیم که از اصحاب قائم (عجل الله تعالی فرجه) باشیم، با آن که ما امروز در زمان امامت تو و مشغول طاعت تو هستیم و اعمال ما بهتر از اعمال اصحاب دولت حق است؟ حضرت فرمود: سبحان الله، آیا نمی خواهی که خدای عزوجل حق و عدل را در بلاد ظاهر گرداند، و حال همه نیکو گردد، و مردم همه بر دین حق اجتماع نمایند، و الفت در میان قلوب پراکنده به هم رسد، و کسی در زمین خدا معصیت نکند، و حدود خدا در میان خلق جاری گردد، و حق به اهلس رسیده و آن را اظهار نمایند، و چیزی از حق به جهت خوف از مردم پنهان نگردد؟ بدان، والله ای عمار! کسی از شما می میرد با حال دوستی ما، مگر آن که او نزد خدای عزوجل از بسیاری از آنهایی که در جنگ بدر و احد حاضر شدند افضل است، پس بشارت باد شمار را.» [۱۹]. از قسمت آخر این حدیث شریف روشن می شود که مومن ولو به ملاحظه ی آن که اعمال او قبل از زمان ظهور و دولت حق افضل از زمان ظهور باشد، و لکن باید انتظار ظهور حضرت قائم (علیه السلام) و دولت حق را داشته باشد، و به کمال خلوص و اشتیاق ظهور امر حق و احکام دین، و ظهور امر اولیاء الهی، و بازگشت حقوق ایشان به خودشان و بر طرف شدن خوف و امثال این امور را داشته باشد.

صبر و شکیبایی

صبر و پایداری مومن در انتظار فرج امر مهمی است و همین است که موجب برخورداری او از آن همه ثواب و فضیلت‌های انتظار می شود، چنانچه در روایتی در «بحار» از حضرت صادق (علیه السلام) نقل شده که فرموده اند: «از دین ائمه داشتن ورع و عفت و صلاح... و انتظار فرج به صبر نمودن است.» [۲۰]. بلکه از این فرمایش استفاده می شود که صبر به منزله ی رکن انتظار است.

آداب انتظار

آداب انتظار اموری است که با وجود آن‌ها در مومن، سبب کامل شدن فضل و ثواب انتظار او می شود، و موجب بالا رفتن مقام و درجه ی او نزد خداوند و اولیاء الهی می شود، و مهمترین آنها دو امر است که به آن اشاره می کنیم. مومن هر گاه واقعاً انتظار ظهور مولای خود (علیه السلام) را دارد، و حقیقتاً مشتاق دیدار جمال دلربای آن طاوس کبریائی است و واقعاً درک حضورش را آرزو دارد، باید بعد از تحصیل انتظار، سعی و کوشش کند تا آن که باطن خود را به محاسن و مکارم اخلاق از قبیل حلم، وقار، عفت، بی نیازی از غیر خدا، توکل، ترحم، خضوع و خشوع، جود و کرم، و امثال این‌ها زینت دهد، و ظاهر خود را به آداب و سنن نبویه (صل الله علیه و اله) از قبیل انجام دادن نوافل و مستحبات، و ترک نمودن مکروهات آراسته گرداند، به طوری که از اهل آن‌ها به حساب آید و او را متصف به آن صفات بشناسد، چنانچه از امام باقر (علیه السلام) در ضمن حدیثی نقل شده است که فرمود: «و عودوا انفسکم الخیر و کونوا من اهله تعرفوا فانی امر بهذا ولدی و شیعتی» [۲۱]. «خودتان را به امر خیر عادت بدهید، و از اهل آن شوید تا آن که نزد هر کسی به وصف خیر و نیکی شناخته شوید، به درستی که من به این طریق اولاد و شیعیان خود را امر می کنم.» و از حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) نقل شده که فرمودند: «بارها از پدر بزرگوارم شنیدم که می فرمود: از اولیاء مانیست کسی که او در قریه ای باشد که در او ده هزار نفر مرد باشد و در میان آن‌ها کسی پرهیزکارتر از او پیدا شود.» [۲۲]. پس از این احادیث استفاده می شود که: آن چه وسیله تقرب به ائمه اطهار علیهم السلام است و موجب لیاقت انس با آن‌ها می شود، اهتمام در اتصاف به محاسن

اخلاق و سنن و آداب است، و بنده‌ی مومن هر گاه مشتاق درک فیض حضور مولای خود و رسیدن به مقام انس با آن حضرت در ظهور ایشان، بلکه قبل از آن می‌باشد، باید در این دو امر، یعنی محاسن اخلاق باطنی، و حسن آداب ظاهری سعی نماید.

علائم انتظار

اشاره

یعنی چیزهایی که به واسطه‌ی آن‌ها مومن مطمئن می‌شود که حقیقت انتظار در وجود او پیدا شده است. و از آشکارترین آن‌ها، دو علامت است که اجمالاً بیان می‌شود:

اشتیاق قلبی است

زیرا هر چه محبوب در نظر حبیب عزیز تر باشد و محبت حبیب نسبت به او بیشتر باشد، اشتیاق او به دیدار محبوب زیادتر می‌شود، و هر چه آتش این اشتیاق در وجودش بیشتر شعله ور شد، مفارقت دوست مشکل تر و تلخ تر خواهد شد، و هر چه زمان مفارقت طولانی شود، غم و اندوه فراوان تری به دنبال خواهد داشت، به حدی که باعث بکاء و گریه، بلکه موجب جزع و ندبه می‌شود. بنابراین؛ هر گاه بنده‌ی مومن در حال انتظار اشتیاق دیدار مولای خود را داشته باشد، باید به واسطه‌ی طول زمان مفارقت و غیبت ایشلن حزن و غم در قلب او ظاهر و هویدا گردد، که لازمه اش گریستن در دوری آن حضرت است. چنانچه در «کافی» روایت شده از امام صادق (علیه السلام) که در بیان حال مومنین در زمان غیبت ایشان فرمودند: «و لتدمعن علیه عیون المومنین» [۲۳]. «برای او چشمهای مومنین گریان می‌شود» و در دعای ندبه دلسوختگان و شیفتگان چنین آمده: «هل من معین فاطیل مع العویل البکاء؟ هل من جزوع فاساعد جزعه اذا خلا؟ هل قذیت عین فساعدتها عینی علی القذی؟» [۲۴]. «آیا یاری کنندای هست تا با او ناله و گریه را طول دهم؟ آیا جزع کننده ای هست تا آن که یاری نمایم جزع او را هر گاه ساکن شود؟ آیا چشم مجروحی هست تا آن که او را چشم من بر مجروح شدن آن یاری نماید؟» و از لوازم طول مفارقت محبوب، ناگوار بودن لذائذ در کام انسان و سلب شدن خواب راحت از او و همیشه به یاد محبوب خود بودن است.

عزلت و گوشه گیری از بیگانگان است، از لوازم آن، کمی گفتار مطالب بیهوده است

پس هر کس این آثار را در وجود خود به صورت بیشتر و کاملتر چه از نظر ظاهری و چه از نظر باطنی، مشاهده کرد، علامت آن است که مقام اشتیاق و حقیقت انتظار او برای ظهور و فرج مولای خود (علیه السلام) و زیارت جمال نورانی او کاملتر است. و همه‌ی این امور یعنی حزن قلبی، افسردگی چهره، بکاء و گریه، جزع و ندبه، ناگواری لذائذ، کمی خواب، عزلت و گوشه گیری، همیشه به یاد او بودن، قلت کلام، در اخبار به طور عموم یعنی بین هر حبیبی و محبوبی و خصوص یعنی بین آن حضرت و دوستانش اشاره شده است. و در کتاب «کمال الدین» در قضیه ابراهیم بن مهزیار روایتی از مولای ما حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه نقل شده که حضرتش در ضمن فرمایشات زیادی - در رابطه با آن چه پدر بزرگوارشان حضرت امام حسن عسکری (علیه السلام) به ایشان فرموده بودند - به ابراهیم بن مهزیار فرمودند: «واعلم ان قلوب اهل الطاعة و الاخلاص تزغ الیک مثل الطیر اذا امت الی او کارها و هم معشر یطلعون بمخائل الذله و الاستکانه، و هم عند الله برده اغراء بیرزون بانفس مختله محتاج، و هم اهل القناعه و الاعتصام، استنبطوا الدین فوارده علی مجاهده الاضداد، خصهم الله باحتمال الضیم فی الدنیا لیشملهم باتساع العز فی دارالقرار، و جلبهم علی الخلاق الصبر لیکون لهم العاقبه الحسنی و کرامه حسن العقبی» [۲۵]. «بدان؛ بدرستی که دلهای اهل طاعت و اخلاص به شدت به سوی تو

پر می کشد، همان طور که مرغان به جانب آشیانه های خود پر می کشند و رو می آورند، و آن ها جماعتی هستند که در معرض ذلت و حقارت واقع می شوند، و حال آن که ایشان در نزد خداوند عزیز رؤسفیدند، آن ها در بین مردم ظاهر می شوند در حالی که به شدت مبتلا- به فقر و نیازند، و ایشان اهل قناعت و اهل تمسک به وسیله هایی هستند که از فتنه ها سالم بمانند. و آن ها بر وجه تحقیق دین را به دست آورده اند، و با آنچه با آن ضدیت دارد مجاهده می کنند، خداوند آن ها را به قوت تحمل سختی های دنیا مخصوص گردانیده است، تا آن که عزت فراوان در آخرت را شامل حال آن ها فرماید، و چگونگی صبر در هر مکروهی را در نهاد و سرشت آن ها قرار داده، تا آن که از برای آن ها عاقبت نیکو و بلند مرتبه گی در آخرت بوده باشد. «و از لوازم دیگر این اشتیاق، اهتمام نمودن در دعا و طلب تعجیل فرج از خداوند است، زیرا واضح است که هر گاه کسی کمال اشتیاق را به امری داشته باشد، به هر وسیله ای که برایش ممکن باشد سعی می کند فاصله ای که بین او و محبوبش هست برطرف کند، و از طول فراق بکاهد، و دعا بهترین وسیله برای رسیدن به این مقصود است. و وقتی این خواسته یعنی اشتیاق به ظهور و برخوردار شدن از فیض دیدار جمال آن حضرت در نظرش اهمیت زیادتری داشته باشد، خواسته های دیگرش راتحت الشعاع قرار میدهد، بلکه آن ها را نادیده می گیرد. و حال او مانند حال حضرت اباذر رضی عنه الله می گردد که روایت شده است: چشم ایشان مبتلا به چشم درد شد، پرسیدند: چرا معالجه نمی کنی؟ فرمود: امری مهمتر از این دارم، گفتند: چرا دعا نمی کنی؟ فرمود: دعائی مهمتر از این دارم. [۲۶].

نتیجه کلی از بحث انتظار

از آن چه در باب انتظار فرج بیان شد، واضح گردید که: هر گاه معنا و مصداق انتظار چه از نظر ظاهری و چه از نظر قلبی، با شرایط و آداب خاصه اش در کسی محقق شد، به طوری که آثار و علائم آن آشکار باشد، پس عنوان نصرت و یاری به وجود مبارک حضرت حجت (علیه السلام)، بلکه نصرت به جمیع پدران بزرگوار ایشان، بلکه به جمیع اولیاء الهی تحقق یافته است. و این نصرت هم نصرت و یاری است نسبت به قلب مبارکشان که هموم از آن برطرف می شود، و هم نسبت به وجود اقدس شان، که شدائد و بلیات دوران غیبت از ایشان دور می گردد، و هم نسبت به دوستان و شیعیانشان، هم در جهات اخروی و هم در جهات دنیوی ایشان، زیرا در همه ی آن جهات برای آنان فرج حاصل خواهد می شود. پس به وسیله ی همین حال انتظار - هر چند امر فرج قبل از مرگ او واقع نشود- در زمره انصار و یاوران واقعی آن حضرت محسوب خواهد شد. چنانچه حضرت ابراهیم خلیل (علیه السلام) وقتی از طرف پروردگار ماموریت یافت فرزند خود اسماعیل را قربانی کند، تمام مقدمات آن را فراهم نمود و آماده برای اجرای دستور الهی شد، که به فرمان دیگری از طرف پروردگار مامور گردید و خودداری کرد، پس خطاب شد: «قد صدقت الرویا» [۲۷] یعنی به آن چه مامور شدی در مورد ذبح اسماعیل (علیه السلام) عمل کردی، و از این جهت، فیض عظیم الهی و پاداش فراوان او را - ولو با حال واقع نشدن آن دریافت کرد. بنابراین هر گاه بنده ای به اندازه توانایی خویش در نصرت و یاری امام زمان (علیه السلام) کوشش کند و فرج آن حضرت را انتظار کشد، چنین بنده ای در زمره ی یاوران آن حضرت قرار می گیرد، هر چند بر حسب مصالح و حکمتهای ظاهری یا پنهانی پروردگار، فرج آن حضرت تاخیر افتد.

پاورقی

[۱] بحارالانوار ج ۵۲ ص ۱۲۶ حدیث ۱۸.

[۲] تفسیر برهان ج ۴ ص ۲۹۳ حدیث ۹ به نقل از مکمال المکارم ج ۲ ص ۱۴۷ حدیث ۱۲۳۴.

[۳] کافی ج ۱ ص ۳۳۴ ذیل حدیث ۲.

[۴] بحارالانوار ج ۳۶ ص ۳۸۷ حدیث ۱.

- [۵] غیبت نعمانی ص ۲۰۰ حدیث ۱۵.
- [۶] کافی ج ۲ ص ۲۲ حدیث ۱۰.
- [۷] رجوع شود به مکیال المکارم ج ۲ ص ۱۵۰.
- [۸] کافی ج ۱ ص ۳۳۳ حدیث ۱.
- [۹] بحارالانوار ج ۵۱ ص ۷۲.]
- [۱۰] سوره معارج آیه ۶.
- [۱۱] (هولذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله ولو کره المشرکون) سوره صف: ۹. (وعد الله الذی آمنوا و عملوا الصالحات لیستخلفهم فی الارض) سوره نور: ۵۵. (ونرید ان نمن علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین) سوره قصص آیه ۵.
- [۱۲] کافی ج ۱ ص ۳۸۶ حدیث ۲، ۳، ۵.
- [۱۳] سوره اعراف آیه ۱۳ آیه ۹۶.
- [۱۴] کافی ج ۱ ص ۳۷۲ حدیث ۳.
- [۱۵] بحارالانوار ج ۱۲ ص ۳۵۲ حدیث ۲۲.
- [۱۶] ترجمه: خداوند هر کس را به رحمت واسع خود بی نیاز خواهد کرد (سوره نسا. آیه ۱۳۰).
- [۱۷] بحارالانوار ج ۵۲ ص ۳۰۹.
- [۱۸] بحارالانوار ج ۵۱ ص ۳۵ و ج ۵۲ ص ۳۲۸.
- [۱۹] کافی ج ۱ ص ۲۳۳ حدیث ۲، کمال الدین ص ۶۴۵.
- [۲۰] بحارالانوار ج ۱۰ ص ۳۵۳ حدیث ۱.
- [۲۱] بحارالانوار ج ۴۶ ص ۳۱ حدیث ۳۱، خرائج ص ۵۹۶.
- [۲۲] کافی ج ۲ ص ۷۹ حدیث ۱۵.
- [۲۳] کافی ج ۱ ص ۳۳۶ حدیث ۳.
- [۲۴] بحارالانوار ج ۱۰۲ ص ۱۰۸.
- [۲۵] کمال الدین ص ۴۴۸.
- [۲۶] بحارالانوار ج ۲۲ ص ۴۳۱ حدیث ۴۰.
- [۲۷] سوره صافات آیه ۱۰۵.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم
 جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)
 با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
 بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحارالانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۴۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند

مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

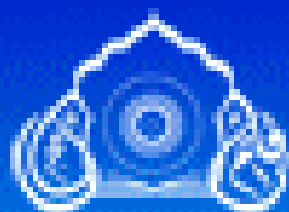
تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۰۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

